

دیلمی وشاه اسماعیل اول وشاه عباس اول صفوی، نمادهای اسلام شیعی و سنن فرهنگ ایرانی هستند. خاندان‌های ایرانی نوبختی و برمکی هم از این قبیل‌اند. در زمینه فرهنگی، شخصیت‌های برجسته‌ای در گذشته چون ابن‌عمید، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و در زمانه ما نامدارانی مانند حاج حسین آقا ملک، دکتر محمود حسابی، دکتر غلامحسین مصاحب و دکتر عبدالحسین زرین‌کوب؛ و از زمره بانوان نیز چهره‌هایی چون مستوره کردستانی ونیمتاج خاکپورمی‌درخشند.

در زمینه هنری، نگارگر مشهور، مرحوم استاد محمود فرشچیان در تلفیق مضامین عرفانی و شیعی درنگارگری ایرانی وطراحی ضریح‌های مطهر برخی امامان شیعه، شهرت ملی و جهانی دارد. در زمینه اجتماعی از حاج زین-العابدین تقی‌آف، تاجر خَیّر ومیهن‌دوست ایرانی مقیم باکو در دولت تزاری و میرمصطفی عالی‌نسب، اقتصاددان و کارآفرین معروف دوران انقلاب می‌بایست یادکرد. در زمینه دینی نیز می‌توان از عارفان و عالمان نامداری همچون عارف مجاهد شیخ نجم‌الدین کبری نام برد که چون لشکر مغول به نزدیکی خوارزم رسید پیکی از جانب آنها نزد شیخ آمد که «ما را با شما و مریدان شما کاری نیست. شیخ لطف فرمایند تا متعلقان و مریدان بیرون آیند که مبادا ندانسته امری واقع شود. شیخ در جواب فرمود: که هفتاد سال در زمان خوشی با خوارزمیان بودم. در وقت ناخوشی، از ایشان تخلف کردن بی‌حرمتی باشد.» لشکر مغول به خوارزم حمله کرد و او در دفاع از ساکنان شهر به شهادت رسید.

شیخ بهاءالدین استیری سبزواری، در سال‌های پایانی سلطنت شاه سلطان‌حسین که کشور در آشوب و ناامنی بود، شکایت به دربار شاه در اصفهان برد؛ اما شاه و درباریان وی را شماتت کردند و از خود راندند. به ناچار شهر را ترک کرد و در بازگشت به خراسان، در هر شهر و روستا ندای فتوای جهاد علیه ازبکان غارتگر سرداد و انبوهی از مردم، داوطلب جهاد شدند؛ اما در میان راه توسط مأموری از جانب شاه دستگیر شد و او را به وضع قبیعی به قتل رساند.

پس از شکست ایران در جنگ اول با روسیه نیز به سبب ستم‌ها و جنایاتی که روس‌های اشغالگر در حق ساکنان مسلمان قفقاز مرتکب می‌شدند، مرجع نام‌آور وقت، سیدعلی طباطبایی به منظور بازپس‌گیری شهرهای اشغالی و نجات ساکنان آن، فتوای جهاد علیه متجاوزان روس صادرکرد و خود در رأس هزاران داوطلب رزمنده، به همراه جمعی از علما عازم جبهه نبرد شد و به همین سبب، لقب «مجاهد» گرفت. در زمانه ما نیز امام خمینی رهبری جنگ نابرابر با صدام و اربابان شرقی و غربی‌اش را بر عهده داشت و به سبب فداکاری نیروهای مسلح و صدها هزار رزمنده داوطلب که به فرمان ایشان عازم جبهه‌های نبرد با دشمن متجاوز یعنی و دفاع از میهن اسلامی شدند؛ و نیز مردمی که در پشت جبهه، کمک‌های ارزنده به رزمندگان می‌کردند، تجلیل بی‌سابقه‌ای از ملت ایران نمودند و آنان را بهتر از صحابه پیامبر اکرم ﷺ و مردم عراق در زمان حکومت امیرالمؤمنین ؑ برشمردند.

در جریان جنگ غافلگیرانه دوازده روزهٔ اخیر امریکا و اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آنها علیه جمهوری اسلامی ایران، و به شهادت رسیدن بسیاری از فرماندهان ارشد نظامی، رهبر انقلاب، فرماندهی نبرد را هدایت نمود و چنان ضربات مرگباری بر اسرائیل و امریکا وارد آمد که متقاضی آتش‌پس شدند.

با ظهور گروه داعش در عراق و تصرف و سقوط سریع شهرهای آن کشور، با فتوای تاریخی جهاد آیت‌الله سیستانی ده‌ها هزار نفر داوطلب رزمنده به مصاف آنها –که از سوی امریکا و اسرائیل آموزش و تسلیح شده بودند – شتافتند و با فرماندهی شهید والا مقام حاج قاسم سلیمانی پس از یک سلسله نبردهای قهرمانانه، عراق و سوریه از لوٲ وجود آن گروه تبهکار پاکسازی شد. آیت‌الله سیستانی با وجود آن که بیش از هفتاد سال است که در عراق اقامت دارند و متنفذترین مرجع تقلید آن کشور به شمار می‌رود و ده‌ها میلیون نفر از شیعیان عراق و سایر کشورهای اسلامی از ایشان تقلید می‌کنند، پیشنهاد دولت عراق، مبنی بر اعطای تابعیت عراقی به ایشان، اعضای خانواده و حتی نزدیکان درجه سومشان را رد کردند و اظهار داشتند که می‌خواهند همچنان تابعیت ایرانی‌شان را حفظ نمایند و قصد تغییر آن را ندارند.

با مطالعه و تأمل در شرح حال و خدمات این شخصیت‌ها و صدها نمونهٔ دیگر، هر کدام از آنها می‌توانند الگوی آرمانی گروه‌ها و اقشار گوناگون و حتی کل افراد جامعه شوند و راه و رسم حفظ ایمان اسلامی را در عین میهن‌دوستی، استقلال‌طلبی و دشمن‌ستیزی بیاموزند.

کتاب «دا»، و زنان پزشک و پرستاری که در بیماری فراگیر کرونا فداکارانه به مقابله با آن و نجات جان هموطنان مبتلا شتافتند و جان شیرین خود را در آن راه نهادند، از جملهٔ هزاران قهرمان معاصر این سرزمین هستند.

اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت آن است که اگر اشاره به قهرمانان و پهلوانان اساطیری، یادآوری روح سلحشوری، میهن‌دوستی و بیگانه‌ستیزی تاریخی ایرانیان در گذشته، و دمیدن روح حماسی و مقاومت در برابر دشمنان و متجاوزان کنونی به کشور باشد، امر ارزشمندی است؛ ولی اگر تأکید بر آن نمادها، صرفاً نفاخر به دوران باستان و در رؤیای گذشته زیستن و به فراموشی سپردن قهرمانان ملی و ضداستعماری تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی و حال حاضر باشد، بدون شک، دانسته و نادانسته، افتادن در دام توطئهٔ رسانه‌ای دشمن است تا بدان‌وسیله مردم کشور، حماسه‌های قهرمانان دوران معاصر و انقلاب اسلامی را به فراموشی سپرده و یاد و خاطرهٔ مبارزات‌آنها را از اذهان‌شان بزدانند و نسل کنونی و نسل‌های آینده فاقد الگو و قهرمانان واقعی شوند.

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول نیز«برخی از شعرای ناسیونالیست کشور، چنان غرق در رؤیای شکوه و عظمت شاهنشاهی ایران باستان بودند که به جای سرودن اشعاری در نکوهش و محکومیت متجاوزان انگلیسی و روسی اشغالگر که استقلال کشور را عملاً لگدکوب کرده بودند، و مرثیه‌سرایی بر ویرانه‌ای به نام ایران که پس از جنگ جهانی اول، در میان قطعی، گرسنگی، بیماری و ناامنی رها شده بود، بر ویرانه‌های تیسفون اشعار حسرت‌بار می‌سرودند و از سقوط رژیم ساسانی به دست اعراب مسلمان، اظهار اندوه می‌کردند و به مفاخر باستانی خویش مباحثات می‌نمودند! این توهم و غفلت چنان بود که به قیام ملی و ضدانگلیسی تنگستانی-ها در جنوب، و جنگلی‌ها در شمال کشور، که در همان سال‌ها در جریان بود، واقعی نمی‌نهادند (کاوه‌های نامدار) آن زمان مانند رئیسعلی دلواری و میرزا کوچک جنگلی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی ملی‌گرایان قرار داشتند.»

• **فرض کنیم که استفاده از نمادهای ملی برای انسجام‌بخشی، یک ضرورت یا راهکار پذیرفته شده‌است. به‌عنوان یک صاحب‌نظر، معیار شما برای گزینش این نمادها و شخصیت‌های تاریخی چیست؟ یک نماد یا قهرمان ملی باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا نه تنها در تناقض با اصول انقلاب اسلامی نباشد، بلکه بتواند در خدمت آن نیز قرار گیرد؟ مثلاً آیا باید ویژگی «حق‌طلبی»، «عدالت‌محوری» یا «مقابله با استکبار» داشته باشد؟**

• این پرسش شما برخاسته از همان تقابل جعلی است که محافل صهیونیستی میان «ملی‌گرایی» و «اسلام‌گرایی» و تعارض میان نمادهای آن طراحی کرده و در میان جامعه رواج می‌دهند و بسیاری از قلمزنان، دانسته و نادانسته و با‌توجه و یا بدون توجه به منشا و غرض اصلی این نظریه‌پردازی‌ها، در رسانه‌های مکتوب و شبکه-های اجتماعی بدان دامن می‌زنند.
شخصه‌های اصلی قهرمان ملی از نظر من عبارت است از: امانت الهی و ولی‌تعمت دانستن هموطنان از هر قوم و طایفه و مذهب و منطقه (اعم از مرد و زن و از هر قشر و طبقه اجتماعی) و ابراز محبت بی‌شائبه به آنان؛ یکسان انگاشتن آحاد مردم و خدمت مخلصانه و بدون ادعا به آنان؛ صداقت در گفتار و عمل و ساده‌یستی و پارسایی در زندگی شخصی و خانوادگی و خداوند را حاضر و ناظر دانستن در همهٔ احوال و امور و ترس از عقوبت الهی در دنیا و آخرت؛ حق‌گویی و حق‌طلبی و عدالت‌خواهی؛ حمایت از مستضعفان و مخالفت با مستکبران؛ میهن-دوستی واقعی و دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی در مقام کلام و عمل؛ و بالاخره، استقلال‌خواهی و تلاش در جهت عزت، سربلندی و پیشرفت کشور.

• **می‌توان نمونه موفق تاریخی در این زمینه را "حکیم فردوسی" دانست که هم نماد هویت ایرانی است و هم حافظ زبان فارسی به عنوان حامل فرهنگ اسلامی- شیعی. آیا در تاریخ معاصر یا گذشته‌های دورتر، الگوها یا نمادهای ترکیبی موفق دیگری را سراغ دارید که توانسته باشند "ایرانیّت" و "اسلامیت" را به خوبی تلفیق کنند و چگونه می‌توان از آن الگوها برای امروز الهام گرفت؟**

• بله، در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، علمی، هنری، دینی، اجتماعی و نظامی، نمونه‌های فراوانی اعم از مرد یا زن را می‌توان برشمرد که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

دو سلسله شیعی مذهب دیلمیان (آل‌بویه) و صفویه و به ویژه پادشاهان مشهور آنها: عضدالدوله



ل نکته‌ای که باید بدان توجه داشت آن است که اگر اشاره به قهرمانان و پهلوانان اساطیری یادآوری روح سلحشوری، میهن‌دوستی و بیگانه‌ستیزی تاریخی ایرانیان در گذشته، و دمیدن روح حماسی و مقاومت در برابر دشمنان و متجاوزان کنونی به کشور باشد، امر ارزشمندی است؛ ولی اگر تأکید بر آن نمادها صرفاً نفاخر به دوران باستان و در رؤیای گذشته زیستن و به فراموشی سپردن قهرمانان ملی و ضداستعماری تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی و حال حاضر باشد، بدون شک، دانسته و نادانسته، افتادن در دام توطئهٔ رسانه‌ای دشمن است تا بدان‌وسیله مردم کشور، حماسه‌های قهرمانان دوران معاصر و انقلاب اسلامی را به فراموشی سپرده و یاد و خاطرهٔ مبارزات‌آنها را از اذهان‌شان بزدانند و نسل کنونی و نسل‌های آینده فاقد الگو و قهرمانان واقعی شوند.

پیر اشاره کرد که در خطوط مقدم جنگ تحمیلی و با پشت جبهه و یا در حوادث ناگوار طبیعی، در راه خدمت-رسانی به هموطنان‌شان ایثارگرانه فداکاری کردند و جان بر سر آن راه نهادند. حسین فهمیده، نوجوان سیزده ساله‌ای که برای جلوگیری از پیشروی دشمن، شهادت‌طلبانه به زیر تانک دشمن رفت؛ خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) بانویی که با داشتن همسر و چند فرزند به دلیل فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم شاه دستگیر و به شدت شکنجه شد و پس از آزادی برای فراگیری آموزش‌های چریکی به سوریه و لبنان رفت و در اردوگاه‌های مبارزان فلسطینی آموزش دید. با مهاجرت امام خمینی به پاریس خود را به آنجا رساند و داوطلبانه در آشپزخانه امام خدمت کرد و بعد از چند ماه همراه ایشان به ایران آمد. با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وی فرمانده سپاه همدان شد و در مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب فعالیت داشت و در همه دوران پس از انقلاب، در سنگر دفاع از جمهوری اسلامی خدمت صادقانه و مخلصانه کرد.

خانم فرنگیس حیدرپور، بانوی قهرمان گیلانغرب که با تیر، سرباز عراقی را کشت و دیگری را به اسارت درآورد و قهرمان کتابی به همین نام؛ ننه خضیره بانوی قهرمان روستایی در جنوب که با پختن نان سمّی یک افسر و چند سرباز عراقی را کشت و خود نیز به شهادت رسید و قهرمان کتابی به همین نام؛ خانم سیده زهرا حسینی بانوی فداکار در جنگ تحمیلی و قهرمان معروف

زیادی از این قبیل وجود داشته که نشان دهنده روحیه سلحشوری، ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، و بیگانه‌ستیزی مردم ایران بوده است. برخی از آنها شخصیت‌های افسانه‌ای و بسیاری از آنها شخصیت‌های تاریخی هستند که فقط به تعدادی از آنها اشاره می‌شود، از قبیل: آرش کمانگیر، کاوه آهنگر، رستم، شاپور دوم ساسانی، یعقوب لیث صفاری، شاه‌اسماعیل اول و شاه‌عباس اول صفوی، امامقلی‌خان، نادرشاه افشار، عباس‌میرزا قاجار، امیرکبیر، ستارخان، رئیسعلی دلواری، میرزا کوچک جنگلی، دکتر مصدق، و آیت‌الله کاشانی. پس از انقلاب اسلامی تعداد آنها به اندازه‌ای زیاد است که در این گفتار نمی‌گنجد و انبوهی از شخصیت‌های سیاسی روحانی و غیرروحانی و نظامی و بسیجیان و دانشمندان هسته‌ای را شامل می‌شود که در رأس آنها امام خمینی، رهبر نستوه انقلاب اسلامی و عزت‌بخش ایران و اسلام و پرچمدار مبارزه با مستکبران غربی و شرقی قرار دارد و در کنار ایشان فقط به عنوان نمونه می‌توان به این کسان اشاره کرد: شهید آیت‌الله بهشتی، دکتر مصطفی چمران، شهید صیاد شیرازی، شهید حسن تهرانی مقدم، شهید حاج قاسم سلیمانی، و هزاران شهید نام‌اشنا و گمنام دیگر در جریان جنگ تحمیلی هشت‌ساله، و قربانیان ترورهای منافقین و موساد و جنگ دوازده روزهٔ اخیر.

گذشته از این شخصیت‌های نام‌آور، باید به قهرمان دیگری، اعم از مرد و زن و نوجوان و جوان و



ادامه از صفحه قبل

صدام حسین با اتهام «عجم» و «مجوس» بودن مردم مسلمان ایران، به نمایندگی از «ملت عرب»، جنگ هشت ساله را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد که دقیقاً خواست استکبار جهانی و صهیونیسم بود، زیرا امام حتی پیش از پیروزی انقلاب، آزادی قدس و سرزمین فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها را جزو اهداف اصلی انقلاب اسلامی برشمرد و پس از پیروزی انقلاب هم در صدر سیاست خارجی کشور قرار گرفت. امام، این قبیل ملی-گرایی را که به جای آن که نفرت و انزجار و توان خود را علیه استکبار جهانی و صهیونیسم به کار گیرد، علیه برادران مسلمان خود به کار می‌گرفت، اساس بدبختی مسلمانان تلقی می‌کرد؛ ولی آن ملی‌گرایی را که نه در حرف و شعار، بلکه در میدان عمل، در جهت حفظ منافع ملی و مقاومت در برابر مطامع استعمارگران و یا پیکار در برابر اسرائیل غاصب و متجاوز و استکبار جهانی به سرکردگی امریکا قرار داشت، تأیید می‌نمود و از آن، به «ملی‌گرایی صحیح» یاد می‌کرد و حمایت می‌نمود؛ از همین رو، ایشان در اوایل دهه ۴۰ از خدمات امیرکبیر، قهرمان ملی معاصر، تقدیر کرد و در جریان دو جنگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۲، با صدور اعلامیه‌هایی، آشکارا حمایت خویش را از دولت‌های ملی‌گرای عرب درگیر جنگ اعلام داشت و سران کشورهای اسلامی را به قطع رابطه کامل با اسرائیل و ارسال هرگونه کمک به رزمندگان مسلمان فراخواند.

• **یک نقد دیگر که استراتژیک هم‌هست، محدودسازی آرمان انقلاب با حرکت به سمت ملی‌گرایی است. قائلان به این نقد می‌گویند: روحیه «جهاد فرامرز» و «مبارزه با ظلم» که موتور محرکه انقلاب و قدرت‌نرم‌نظام است، ذاتی «فراملی» دارد. اما وقتی دائماً مرزهای «ایران» را با تأکید بر ایران و «حب وطن» و نمادهای ملی پررنگ می‌کنیم، مشروعیت و معنای حضور و حمایت از مبارزان در لبنان، سوریه، عراق، یمن و فلسطین را زیر سؤال می‌بریم؛ زیرا که آنها «غیرایرانی و خارج از مرزهای وطنی‌ما» هستند. به نظر شما آیا این بازگشت به ملی‌گرایی، در درازمدت، می‌تواند به تقویت "نگاه درون‌مرزی" و تضعیف "گفت‌مان فراملی و امت‌گرایی" انقلاب که پشتوانه ژئوپلیتیک نظام است، بینجامد؟ و اگر آری، آیا این تغییر، نظام جمهوری اسلامی را در برابر فشارهای خارجی آسیب‌پذیرتر نخواهد کرد؟**

• خبر، نه تنها منافاتی با آن ندارد، بلکه در همان راستا قرار دارد؛ زیرا اولاً دفاع از میهن، مبنایی کاملاً عقلانی و اسلامی دارد که فقها در این باره رسالات فراوانی نوشته‌اند و همه بر این امر اتفاق نظر دارند که در صورت تجاوز کفار به سرزمین‌های اسلامی، دفاع بر همه افراد آن، اعم از مرد و زن، واجب است. ثانیاً، تأکید نظام جمهوری اسلامی بر «میهن» و «سرزمین» به معنای چشم‌پوشی از کمک به جبهه مقاومت نیست؛ زیر هم یاران و هم دشمنان جبهه مقاومت اسلامی به خوبی می‌دانند که ایران، قلب و تپنده و الهامبخش جبهه مقاومت ضداستکباری و ضدصهیونیستی در جهان است و هرگونه ضعف و سستی در آن، به مثابه تزلزل در جبهه مقاومت اسلامی و ضداستعماری است؛ از اینرو هرگونه اقدامی که به تقویت انسجام ملی و اقتدار و پیشرفت کشور بینجامد، موجب تقویت روحیهٔ جبهه مقاومت در منطقه و جهان خواهد بود. ثالثاً، چنان که پیش از این هم گفته شد، حمایت از مستضعفان جهان و مقاومت ضدصهیونیستی از بدو انقلاب اسلامی تا کنون، در صدر سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار داشته و علیرغم همه فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها، ذره‌ای از آن، عدول نکرده است.

به نوشته یکی از نویسندگان، «... قانون اساسی جمهوری اسلامی [ایران]، تنظیم سیاست خارجی کشور را بر مبنای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان قرار داد. همچنین در فصل دهم ... مبنای سیاست خارجی، بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور قرار گرفته و بر دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت-های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمتحارب تأکید شده است. همچنین بر اساس اصول این فصل، سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید در کنار توجه به خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزهٔ حق طلبانهٔ مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه جهان حمایت کند... حمایت از مبارزات حق‌طلبانهٔ فلسطینی‌ها، نمادی روشن از تحقق اصول پیشگفتهٔ قانون اساسی بود؛ به همین دلیل نیز امام و سایر مسئولان جمهوری اسلامی بارها تأکید کردند که فلسطین در رأس سیاست خارجی ایران است.»

• **بحث "قهرمان‌پروری" یکی از کارکردهای ملی‌گرایی است. آیا به‌نظر شما، تکیه بر قهرمانان ملی تاریخی (مانند آرش کمانگیر، شاپور ساسانی و...) می‌تواند حس "غیرت ملی" و "مبارزه در راه وطن" را در شرایط کنونی تقویت کند؟ یا این کار، در عمل، "قهرمانان انقلابی- اسلامی" دهه‌های اخیر را تحت الشعاع قرار می‌دهد و حافظه جمعی را دچار دوگانگی می‌کند؟**

• هر ملت برای تقویت و انسجام روحیه ملی و ضدستم و ضدبیگانۀ خود، نیازمند بازشناسی قهرمانان افسانه‌ای و تاریخی خویش است. این قهرمانان، تجلی احساس و روح جمعی ملت‌ها در حیات تاریخی آنهاست. در دوران اساطیری و تاریخی ایران، خوشبختانه قهرمانان